

حکم پوشاندن صورت و دست

برای بانوان



نویسنده:

شیخ ترکی البنعلی حفظه الله



حکم پوشاندن صورت و دست

برای بانوان

نویسنده:

شیخ ترکی البنعلی –حفظه الله

ترجمه:

سهیل موحد





الحمد لله والصلاة والسلام علی رسول الله وعلی آله وصحبه ومن أما بعد؛

ما در زمانی قرار گرفته‌ایم که آکنده از فتنه‌ها و مصیبت های فروان است. یکی از مهمترین فتنه هایی که در میان جوامع مسلمان پیش آمده مسئله ی حجاب زنان و حدود شرعی آن است، ما متأسفانه می بینیم که هر از چند گاهی کسانی به نام اهل علم خود را در این مسئله وارد نموده و با عدم آگاهی کافی به آن مسلمانان و خصوصاً خواهران گرامی را دچار فتنه و بی بند و باری می کنند.

لذا ما در این تحقیق مختصر برآنیم تا حدود شرعی حجاب زن مسلمان و به ویژه بحث وجوب نقاب را با دلایلی مستند از کتاب و سنت و اقوال سلف امت روشن نماییم لازم به ذکر است که این تحقیق، ترجمه فتوای شیخ ترکی البنعلی از علمای برجسته ی معاصر در جواب سؤالی در این باره است به امید آنکه سبب خیر برای کاتب و مترجم و همه ی مسلمانان مرد و زن شود.

❊❊❊



به راستی پوشاندن صورت و دو دست زن از مردان بیگانه شرعاً واجب است و این قول قوی‌ترین سخن ها با دلیل از قرآن و سنت و مقاصد شریعت است، الله تعالی می فرماید: ﴿يا أيها النبي قل لأزواجك وبناتك ونساء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن﴾

«ای پیامبر به همسران و دخترانت و زنان مسلمانان بگو: جلباب های خود را بر خود نزدیک سازند».

جلباب: چادر یا جامه ی گشادی است که زنان بر روی لباس خود می‌اندازند و تمام بدن را می پوشاند [تفسیر انوار القرآن]

مفسر قرآن ابن عباس رضي الله عنه در تفسیر این آیه می گوید: «به زنان مؤمنان امر کرده است که سر و صورتهای خود را با جلباب بپوشانند».

ابن سیرین رحمه الله می گوید: «از عبیده ی سلمانی [تابعی] در باره آیه ی ﴿يدنين عليهن من جلابيبهن﴾ پرسیدم، او یک ملافه را که رویش بود برداشت و با آن نقاب زد و سرش را تا ابروهایش و صورتش را پوشاند و چشم چپ خود را از قسمت راست آن خارج کرد [یعنی تفسیر این آیه همین است].»

امام ابن جوزی رحمه الله در کتاب "زاد المسیر" درباره این آیه می گوید: «[زنان مؤمن] سرها و صورتهای خود را می پوشانند تا مردم بفهمند که آنها آزاده هستند [برده نیستند]».

امام ابوحیان در کتاب "بحر المحیط" می گوید: «منظور از آیه ی ﴿يدنين عليهن﴾ یعنی بر صورتهایشان (نزدیک سازند) چون چیزی که در جاهلیت از آنها آشکار بود صورتشان بود».

شیخ الاسلام ابن‌تیمیه رحمه الله درباره ی زنان مؤمنان می گوید: «به جلباب امر شده اند تا شناخته نشوند و منظور پوشیدن صورت یا پوشاندن صورت با نقاب است».



همچنین می گوید: «برای زن جایز نیست که صورت و دستان و پاهایش را برای بیگانگان آشکار سازد بر خلاف آنچه قبل از نسخ بوده است».

امام عز بن عبدالسلام رحمه الله می گوید: «(زن) صورتش را با آن (جلباب) می پوشاند تا اینکه جز چشم چپش آشکار نشود».

امام ابن العربی المالکی رحمه الله می گوید: «صورتش را با آن می پوشاند».

امام أبو السعود رحمه الله می گوید: «و معنای آیه این است که با آن (جلباب) صورت و بدنهای خود را بپوشانند».

امام ابوبکر الرازی رحمه الله می گوید: «این آیه دلالت دارد بر اینکه زن به پوشاندن صورتش از بیگانگان امر شده است».

شیخ سعدی رحمه الله در تفسیرش می گوید: ﴿يدنين عليهن من جلابيبهن﴾ «یعنی با آن (جلباب) صورت و سینه هایشان را بپوشانند».

الله تعالی می فرماید: ﴿وليضربن بخمرهن على جيوبهن﴾

«و باید روسری هایشان را بر گریبان هایشان بکشند».

ام المؤمنین عایشه رضي الله عنها می گوید: «يرحم الله نساء المهاجرات الأول، لما أنزل الله ﴿وليضربن بخمرهن على جيوبهن﴾ شققن مروطهن فاختمرن بها». [رواه البخاری معلقاً]



«الله تعالی به زنان مهاجر اول رحم نماید، وقتی الله آیه ی ﴿وليضربن بخمرهن على جيوبهن﴾ نازل نمود، چادرهای خود را پاره کرده و با آن صورتشان را پوشاندند».

امام حافظ ابن حجر العسقلانی رحمه الله می‌گوید: «قول او (عائشه رضي الله عنها) "فاختمرن" یعنی صورتشان را پوشاندند و کیفیت آن چنین است که روسری را بر سرش می گذارد و آن را از طرف راست بر شانه ی چپش می کشد و این همان تقنع است».

فراء می گوید: «در جاهلیت زنان روسری های خود را از پشت سر آویزان می کردند و جلویشان آشکار می شد پس به استتار امر شدند». [فتح الباری:۸/۴۹۰]

در تفسیر فتح القدیر (امام شوکانی رحمه الله) آمده است: «زن در جاهلیت روسری خود را از پشت آویزان می کرد پس امر شد که با روسری خود را پوشانده و صورتش را مخفی کند و این کار به گونه ای است که روسری را از روی سر برگریبانش بکشد تا صورتش را بپوشاند».

و به خاطر همین است که علامه شنقیطی رحمه الله می گوید: «حجاب زنان از مردان و پنهان کردن صورتهایشان در سنت صحیح که تفسیر کننده ی قرآن است ثابت است».

در حدیث از عبدالله رضي الله عنه از پیامبر صلى الله عليه وسلم روایت است که فرمود: «المرأة عورة». [أخرجه الترمذی]

«زن عورت است».

پیامبر صلى الله عليه وسلم در این حدیث هیچ قسمتی از زن را نه صورتش و نه دستانش، استثنا نکردند

و از عائشه رضي الله عنها در داستان افک روایت است که فرمود: «كان رسول الله صلى الله عليه وسلم إذا أراد أن يخرج أقرع بين أزواجه فأيتهن خرج سهمها خرج بها رسول الله صلى الله عليه وسلم معه، قالت : فأقرع بيننا في غزوة غزاها فخرج سهمي،



فخرجت مع رسول الله ﷺ بعد ما نزل الحجاب – ثم ذكرت قصة تخلفها عن الجيش عند رجوعه، إلى أن قالت: – فبينا أنا جالسة في منزلي غلبتني عيني فنمت، وكان صفوان بن المعطل السُّلمي ثم الذكواني من وراء الجيش، فأدلج، فأصبح عند منزلي فرأى سواد إنسانٍ نائم، فأتاني فعرفني حين رآني، وكان يراني‌قبل الحجاب، فاستيقظت باسترجاعه حين عرفني، فَخَمرّت وجهي بجلبابي». [أخرجه البخارى]

پيامبر ﷺ وقتى كه ميخواست كه (از مدينه) خارج شود ميان همسرانش قرعه مى انداخت و قرعه‌ى هركدام كه بيرون مى آمد او را با خود مى برد. عائشه رضي الله عنها مى‌گويد: «در يكى از جنگ‌ها كه پيش آمد ميانمان قرعه كشى كرد و قرعه ى من درآمد پس همراه پيامبر ﷺ خارج شدم پس از اينكه حجاب نازل شده بود»... سپس عائشه رضي الله عنها داستان عقب ماندنش از سپاه را هنگام بازگشت ذكر مى كند تا اينكه گويد: «در اين بين كه من در جايم نشسته بودم چشمم بر من غلبه كرد پس خوابيدم و صفوان بن معطل سلمى سپس ذكوانى در پشت سپاه بود، او آخر شب حركت كرده بود تا هنگام صبح به جاى من رسيد و از دور سپاهى يک نفر خوابيده را ديد پس نزديكم آمد و من را شناخت وقتى كه ديد و او مرا قبل از حجاب ديده بود پس با انا لله و انا اليه الراجعون كردنش هنگاميكه مرا شناخت بيدار شدم و صورتم را با جلبابم پوشاندم».

حافظ ابن حجر رحمه الله در شرح سخن ام المؤمنين عائشه رضي الله عنها مى گويد: «بعد ما نزل الحجاب».

يعنى: «بعد از نازل شدن امر به حجاب».

و منظور حجاب زن از ديده شدن توسط مردان است و قبل از آن منع نمى شدند و قول ام المؤمنين عائشه "فعرفنى حين رآنى" اينگونه القا ميكند كه صورت ام المؤمنين هنگام خواب آشكار شده است چرا كه همچنان كه گذشت خود را با جلبابش پوشانده و خوابيده بود و چون با استرجاع صفوان آگاه شد، فوراً اقدام به پوشاندن صورتش كرد و قول عائشه رضي الله عنها كه مى‌گويد: «وكان يراني قبل الحجاب».

يعنى: «قبل از نازل شدن حجاب». [فتح البارى ج /٨ ص٤٥٨]



و این یک نص صریح است که زنان قبل از نازل شدن آیه ی حجاب، صورتهای خود را آشکار نموده‌اند و بعد از نازل شدن آیه‌ی حجاب، صورت خود را می پوشاندند و همچنین بر این دلالت می کند که منظور از آن (آیه‌ی حجاب) پوشاندن صورت است همچنانکه که گذشت.

امام مسلم رحمه الله در مورد خارج شدن رسول الله ﷺ از نزد عائشه به سوی بقیع و خارج شدن عائشه هم به دنبال او روایت میکند که عائشه رضي الله عنها فرمود: «وفتح الباب فخرج ثم أجافه رويداً، فجعلت درعي في رأسي واختمرت وتقنّعت إزاري ثم انطلقت على إثره حتى جاء البقيع». [صحيح مسلم]

«(رسول الله ﷺ) در را باز کرد و بیرون رفت سپس در را به آهستگی بست، پس من هم درعم را روی سرم قرار دادم و روسری را بر صورتم گذاشتم و آزارم را بکشیدم و سپس دنبال او راه افتادم تا اینکه به بقیع رسید».

و از عبدالله ابن عمر رضي الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: «لاتنتقب المرأة المُحرِمة ولا تلبس القفازين». [أخرجه البخارى]

«زنی که محرم (در حج) است نه نقاب بزند نه دستکش بپوشد».

و این حدیث با مفهوم مخالف بر این دلالت دارد که زنی که در احرام نیست باید نقاب زده و دستکش بپوشد.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله می گوید: «در حدیث صحیح ثابت است: «أن المرأة المحرمة تنهى عن الانتقاب والقفازين». یعنی: «زن محرم از نقاب زدن و پوشیدن دستکش نهی شده است». و این حدیث دلالت براین دارد که دستکش و نقاب برای زنانی که محرم (در احرام) نبوده اند چیز مشهوری بوده است و این پوشیدن دستها و صورتشان را اقتضا می کند». [مجموع الفتاوى ج ۱۴/ص۳۷۱]



توجه: این حدیث در منطوق خود دلالت نمی کند به امر کردن زن محرم به آشکار کردن صورتش بلکه حدیث از پوشیدن نقاب و دستکش نهی می کند نه غیر از آن و زن می تواند که صورت خود را با هر لباسی که میخواهد بپوشاند و بر این موضوع فعل زنان صحابه و تایید پیامبر ﷺ برایشان دلالت دارد. و دلیل آن هم سخن عائشه است که گوید: «كان الرُّكبان يمرون بنا ونحن مع رسول الله ﷺ مُحرمات، فإذا حاذوا بنا سدلت إحدانا جلبابهامن رأسها على وجهها فإذا جاوزونا كشفناه». [رواه أحمد، أبوداود و ابن ماجة]

«کاروانیان از کنارمان می گذشتند و و ما با پیامبر ﷺ در احرام بودیم وقتی که به ما می رسیدند ما جلبابمان را از روی سرمان بر صورتمان می کشیدیم و وقتی رد می شدند آن را بر می داشتیم».

امام مالک در کتاب الموطأ از هشام بن عروه از فاطمه دختر منذر روایت می کند که فرمود: «كنا نُخمر وجوهنا ونحن محرمات ونحن مع أسماء بنت أبي بكر الصديق».

«ما صورتهایمان را می پوشاندیم در حالیکه در احرام بودیم و ما با أسماء دختر ابوبکر صدیق بودیم فاطمه همسر هشام و دختر عموی او بود. و اسما مادربزرگ فاطمه بود».

و بدین‌گونه حدیث فاطمه و عائشه صدیقه رضي الله عنهما بر این دلالت می کند که آنچیزی که زنان صحابه آن را فهم کرده اند این بوده که نهی پیامبر ﷺ از پوشیدن نقاب و دستکش برای زن در احرام نهی از پوشیدن چیزی جدا (از لباس احرام) است و این به معنای آشکار کردن صورت نیست بلکه بر او واجب است که صورتش را همانگونه که عائشه و فاطمه در احادیث سابق که گذشت پوشانند، بپوشاند و همچنانکه که مرد محرم از پوشیدن شلوار خیاطی شده نهی می شود و این به معنای آشکار کردن عورتش نیست بلکه باید به جای شلوار، آزار برتن کند». [مجموع الفتاوی ۱۲۰/۲۲]

علامه ابن القیم رحمه الله می‌گوید: «پیامبر ﷺ برای زن آشکار کردن صورتش را نه در احرام و نه در غیر از آن مشروع قرار نداده است و تنها نهی پیامبر ﷺ به صورت خاص از نقاب زدن است همانگونه که نهی از پوشیدن دستکش (برای زن) و نهی از پوشیدن پیراهن و شلوار (برای مرد) آمده است و معلوم است که نهی از پوشیدن این چیزها بر این دلالت نمیکند که باید عورتش را نپوشانده و آشکار باشد بلکه علما بر این اجماع دارند که در حج، زن محرم باید بدنش را با پیراهن و لباس و مرد بدنش را با ردا و پایین تنه اش را با ازار بپوشاند همراه با این که منبع نهی از پوشیدن نقاب و دستکش و پیراهن و شلوار یکی است؟ پس چگونه باید بر مفهوم نص اضافه و اینگونه برداشت می شود که برای زن مشروع است در میان جمع و علناً صورتش را آشکار کند؟ کدام نص یا مفهوم یا عموم یا قیاس یا مصلحتی این را اقتضا میکند؟ بلکه صورت زن مانند بدن مرد حرام است که با چیزی جدا به اندازه آن مانند نقاب و برقع پوشانده شود بلکه و مانند دستش با چیزی جدا مثل دستکش حرام است پوشیده شود اما پوشاندش با آستین و پوشاندن صورت با ملافه و روسری و لباس البته که مورد نهی واقع نشده است. [بدائع الفوائد]

این (مسائل) در حج و عمره که شهوت ضعیف و امنیت از فتنه وجود دارد و با این وجود صورت بدون نقاب و دستان بدون دستکش پوشانده می شود پس وضعیت در غیر حج و عمره چگونه باید باشد؟

از ابن عمر رضي الله عنه از پیامبر ﷺ روایت است که فرمود: «من جر ثوبه خيلاء لم ينظر الله إليه يوم القيامة» فقالت أم سلمة: فكيف يصنعن النساء بذيولهن؟ قال: «يرخين شبراً». فقالت: إذاً تنكشف أقدامهن! قال: «فيرخينه ذراعاً لا يزدن عليه». [رواه الترمذی والنسائی وقال الترمذی: هذا حديث حسن صحيح , وانظری السلسلة الصحيحة]

«هرکس لباسش را به عنوان تکبر دراز کند الله روز قیامت به وی نگاه نمی کند. ام سلمه گفت: پس زنان با دامن هایشان چکار کنند؟ فرمود: «یک وجب آن را دراز کنند» گفت: خب پاهایشان آشکار می‌شود؟ فرمود: «پس یک ذراع نه بیشتر آن را دراز کنند». (ذراع از نوک انگشتان تا آرنج است)



و از انس ﷺ روایت است که فرمود: «أن النبي ﷺ شبر لفاطمة من عقبها شبراً وقال: هذا ذيل المرأة». [رواه الطبراني وأبو يعلى, وانظر الفتح ۳۲۰/۱۰]

«پیامبر ﷺ برای عقب (پایین دامن) فاطمه یک وجب اندازه گرفت و فرمود: این دامن زن است».

پس اگر زن به پوشاندن پاهایش امر شده از باب اولی به پوشاندن صورت و دستانش امر می شود. و عمل زنان صحابه بر پوشاندن صورت هایشان بعد از نزول آیه حجاب استوار گشته پس از آنکه صورت هایشان را قبل از آن آشکار میکردند و بر همین اساس عمل زنان مسلمانان پیش رفته همانگونه که آنچه امام ابوحامد الغزالی رحمه الله _که در اوایل قرن ششم فوت کرده_، گفته برآن دلالت می کند. میگوید: «مردان در طول دوران دائماً با صورتهای آشکار و زنان به صورت نقابدار خارج می شدند». [إحياء علوم الدين: ۵۳/۲]

و شیخ محمد بن ابراهیم مفتی سرزمین حرمین و رئیس سابق قضات به جاری بودن عمل مسلمانان بر این امر اشاره میکند، پس در فتوای شماره ۲۶۳۹ می‌گوید: «درباره حکم آشکار شدن زن و خروجش در میان مردان بیگانه پس او رحمه الله جواب داد:

«الحمد لله؛ پوشیده نیست که عمل مسلمانان و همسران پیامبر ﷺ و زنان صحابه در زمان او و زمان خلفای راشدین و سلف صالح رضوان الله علیهم این بوده که زن آشکارا خارج نشود و نصوص شرعی از کتاب و سنت و اقوال سلف امت و بعد از آنها بر این موضوع زیاد و مشهور است و الله تعالی زنان مومنان را امر کرده که ﴿يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِن جَلَابِيبِهِنَّ﴾ چادرهایشان را به خود نزدیک سازند و ابن عباس و غیر او از سلف آن را به پوشاندن صورت از مردان بیگانه تفسیر کرده اند و گناه ترک حجاب برنداشته مگر برای زنان یائسه آن هم به شرط عدم خودآرایی.



الله تعالی می فرماید: ﴿وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾ [سوره النور: ۶۰]

«و بر زنان بازنشسته ای که امیدی به ازدواج ندارند گناهی نیست که لباسهایشان را فرونهند در حالیکه با زینت، خودآرایی نکنند».

و پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید: «المرأة عورة». یعنی: «(همه ی بدن) زن عورت است».

و پوشیدن همه عورت واجب و آشکار کردن چیزی از آن جایز نیست. و ابن المنذر رحمه‌الله اجماع را ذکر می کند بر اینکه زن محرم سر و مویش را پوشانده و لباسش را به صورت خفیف بر صورتش فرو می کشد تا خود را از نگاه مردان بیگانه حفظ کند و ابن رسلان اتفاق مسلمانان را نقل می کند بر منع زنان از خارج شدن با صورت نپوشیده و آشکار. و اگر همه ی آنچه در این مورد آمده را جستجو کنیم کلام طولانی می شود و برای کسی که قصدش حق است در این کفایت است و الله توفیق دهنده است».

اما آنان از اهل علم که رأیشان بر جواز پیدا بودن صورت و دو دست است رأیشان بر نص صریح صحیحی تکیه نکرده است بلکه تمام آنچه به آن استدلال میکنند آن چیزی است که به اتفاقاتی عینی شناخته می شود و علما و مشایخ ما با آن مناقشه کرده اند پس فایده رسانده و نیکو کرده اند.

و من تو را به آنچه دست شیخ ما عبدالقادر بن عبدالعزیز در کتابش"الجامع فی طلب العلم الشریف" در « أحكام الحجاب والنظر والاستئذان» ص ۹۸۲ و بعد از آن نوشته حواله می کنم.

اما احادیث مرفوع؛ پس عمده ی دلیل جواز دهندگان حدیث اسماء رضی‌الله‌عنها است که از طریق خالد بن دریک از عائشه رضی‌الله‌عنها روایت شده که فرمود: «اسماء دختر ابوبکر (خواهر عائشه) در حالیکه لباسی نازک بر تن داشت بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم داخل شد، پس پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم از او روی گرداند و فرمود: «يا أسماء إن المرأة إذا بلغت المحيض لم يصلح أن يرى منها إلا هذا وهذا وأشار إلى وجهه وكفه».



«ای اسماء زن وقتی به حیض رسید شایسته نیست که چیزی از او دیده شود مگر این و این». و به صورت و دستش اشاره کرد.

ولی سری برای این حدیث بلند نمی شود چرا که از سند و متن ضعیف است.

اما ضعف سند: ابوداود گفته: «این حدیث مرسل است». خالد بن در یک عایشه را در نیافته است.

و خالد القطان گفته: «و همراه این خالد مجهول الحال است».

و المنذری گفته: «همچنین در حدیث سعید بن بشیر أبو عبد الرحمن البصری ساکن‌دمشق مولی بنی نضر وجود دارد و درباره ی او بیش از یک نفر سخن گفته است (یعنی درباره ضعفش)».

و غیر این علتها هم در این حدیث وجود دارد که شیخ محدث ما عبدالله السعد – فک الله أسره آن را ذکر کرده است . این از جهت ضعف سند

اما از جهت ضعف متن: چگونه اسما دختر ابوبکر با لباس نازک خارج می شود؟! این پیش زنان آزاده مثل دختر صدیق _ الله از خودش و پدرش راضی باد _ مرسوم نبوده است!!

و اینکه حتی اگر به صحت حدیث اسما تسلیم شویم _ به عنوان جدل _ پس آن قبل از نزول آیه حجاب بوده است. والله أعلم.

[البته دلایل دیگری هست که قائلین به عدم وجوب نقاب به آن استدلال می کنند که یا از نظر سند ضعیف و غیر قابل استدلال است یا تاریخ آن معلوم نیست که آیا قبل از نزول حجاب بوده یا نه؟ در نتیجه به فرض صحت آن به دلیل وجود احتمال نمی توان به آن استدلال کرد چرا که یک قاعده ی مشهور وجود دارد که می‌گوید: «اذا ورد الاحتمال بطل الاستدلال». وقتی احتمال وارد شد؛ استدلال باطل می شود. (مترجم)]

و صل الله وسلم وبارک علی نبینا محمد وعلی آله وأصحابه أجمعین.